

اشتغال و کاریبایی فارغ التحصیلان کم توان ذهنی

علی رضا احمدی / کارشناسی ارشد علوم تربیتی / دبیر مرکز پیش حرفه‌ای نصر اراک

چکیده

بیانجامد یا به عکس این نتایج را در بر نداشته باشد، البته به نظر می‌رسد هر قدر برنامه ریزی مناسب و درست صورت پذیرد آموزش‌های حرفه‌ای متناسب توان فرد می‌شود و احتمال موفقیت شغلی وی نیز در بزرگسالی تضمین خواهد شد.

افراد کم توان ذهنی هم باید مانند دیگر افراد اجتماع خود شغل شان را انتخاب نمایند، اما با توجه به وضعیت ذهنی و جسمی آنها در انتخاب شغل با محدودیت رو به - رو هستند و اینجاست که ضرورت برنامه ریزی مناسب و مدیریت آموزشی درست جهت اشتغال و کاریبایی را می‌رساند. بنابراین، انطباق و اصلاح نظامند جایگاه اشتغال و تربیت حرفه‌ای نیاز به مدیریت و برنامه ریزی درست دارد.

اهداف آموزش شغلی

از اهداف برنامه آموزش شغلی ارائه‌ی راهبردی است که دانش‌آموزان را در انتخاب مشاغل مطابق با مسیر شغلی و پیشرفت‌های پایدار در اشتغال بر پایه‌ی نگاهی به آینده یاری می‌رساند. اگرچه بسیاری از افراد کم توان ذهنی به خاطر مشکلات اجتماعی و ارتباطی برای مشارکت کامل در برنامه ریزی شغلی با چالش رو به رو هستند با وجود این، یک تیم حرفه‌ای خوب می‌تواند در طراحی برنامه برای این گروه مؤثر باشد.

برنامه ریزی و مدیریت آموزشی به دانش‌آموزان کمک می‌کند شغل درست و معناداری انتخاب نمایند،

این مقاله به بررسی اشتغال و کاریبایی فارغ التحصیلان کم توان ذهنی می‌پردازد. اشتغال این افراد از مهمترین چالش‌ها و دغدغه‌ها برای خود آنان، والدین و آموزش و پرورش استثنایی می‌باشد. بنابراین برنامه ریزی، سازگاری و اصلاح سازمان یافته‌ی آموزش حرفه‌ای ضروری به نظر می‌رسد.

با نگاهی به برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای جهت اشتغال افراد کم توان ذهنی در برخی از کشورهای خارجی در می‌یابیم که پیرامون آموزش حرفه‌ای این گروه در زمینه‌های شغلی، به کارگماری و استقرار اجتماعی آنان به برنامه ریزی علمی و منسجم پیش از شروع مدرسه تا پس از فراغت از تحصیل و داشتن شغل و نگهداری آن پرداخته اند.

در کشور ما هم اقداماتی در زمینه‌ی آموزش حرفه‌ای دانش‌آموزان کم توان ذهنی صورت گرفته است. به این منظور برنامه‌ی دوره‌ی پیش حرفه‌ای و متوسطه‌ی حرفه‌ای جهت آموزش حرفه‌ای و اشتغال مناسب طراحی شده که تلاش و همکاری آموزگاران استثنایی، والدین و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش استثنایی را می‌طلبد.

مقدمه

انتخاب شغل و اشتغال در بین دانش‌آموزان کم توان ذهنی ممکن است به رضایت شغلی و امنیت شغلی

حرفه‌هایی را که پسران و دختران عقب‌مانده‌ی ذهنی آموخته و تا سطح بزرگسالی برای خود نگه داشته‌اند، غالباً از نوع کارهایی است که به افراد غیر ماهر یا نیمه ماهر دارای اندکی آموزش نظری و تربیت شغلی نیاز دارد. مطالعه‌ی چنین‌گ، به همراه مطالعات مشابه دیگر، نشان داد به جای کوشش برای تربیت حرفه‌ای ویژه، باید عادات و روش‌های کاری را به این کودکان بیاموزند که برایشان مفید باشد. به این معنی که آنها را طوری تربیت کنند که پس از فراغت از تحصیل بتوانند در شغل‌های مربوط به افراد غیرماهر یا نیمه ماهر کار کنند، به این منظور به ویژه در سطح نوجوانی، مدارس کوشش کردند به جای کارآموزی، روی تربیت حرفه‌ای یا آموزش شغلی تأکید کنند (چنینگ ۱۹۳۲).

هدف از آموزش حرفه‌ای دانش آموزان کم توان ذهنی فراهم کردن شرایطی است که این دانش آموزان پس از فراغت از تحصیل بتوانند در حرفه‌ای که آموزش دیدند به کار مشغول شوند

به نظر داگلاس تأکید بر آموزش شغلی، برای نوجوانی که به مشاغل علاقه نشان می‌دهد، باید بر جنبه‌هایی از مشاغل باشد که در تمام حرفه‌ها مشترک و معمول هستند، به گفته‌ی وی آموزش شغلی هنگامی در برنامه‌ی یک مدرسه بسیار مؤثر است که شاگردان آن کلاس در درس‌های کلیدی، یعنی خواندن، نوشتن و حساب دست کم تا حدودی مهارت داشته باشند وی همچنین احساس می‌کند که دادن اطلاعات درباره‌ی مشاغل خاصی که این کودکان می‌توانند انجام دهند به عنوان قسمتی از آموزش شغلی به اندازه‌ی آشنا شدن با تعهدات و موقعیت‌های مشترک همه حقوق بگیران اهمیت ندارد

چون انتخاب شغل مناسب، افراد را به سمت رضایت شغلی سوق می‌دهد و باعث ترقی الگوهای تأیید شده در بکارگماری افراد کم توان ذهنی می‌شود.

هدف از آموزش حرفه‌ای دانش آموزان کم توان ذهنی فراهم کردن شرایطی است که این دانش آموزان پس از فراغت از تحصیل بتوانند در حرفه‌ای که آموزش دیدند به کار مشغول شوند. در واقع برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای باید مشاغل را آن گونه که در جامعه وجود دارند عرضه نماید و نقاط قوت و ضعف و توانمندی‌ها و ناتوانی‌های این گروه را مورد توجه قرار دهد.

آموزش شغلی و اشتغال در خارج از کشور در سال‌های اخیر علاقه‌ی بسیاری نسبت به سازگاری و تعادل شغلی کودکان کم توان ذهنی دیده شده است، اصطلاح آموزش شغلی^۱ به معانی گوناگون به کار رفته است و هر یک از این معانی برنامه‌های خاص را به ذهن می‌رسانند، ولی هدف تمام این برنامه‌ها آموزش کودک کم توان ذهنی برای نوعی شغل است.

بسیاری عقیده دارند که چون کودکان کم توان ذهنی نمی‌توانند در موضوعات آموزشی مثل خواندن و نوشتن، حساب و تاریخ و جغرافیا و ... شایستگی یا موفقیت‌ها به دست آورند بنابراین بهترین برنامه‌ی آموزش به کارگماری آنها در نوعی کلاس کارآموزی است. از این رو، در بعضی کشورها این کودکان را به مدارس حرفه‌ای^۲ فرستادند تا پیشه‌ای بیاموزند. با وجود این بزودی معلوم شد که در این مدارس کودکان کم‌توان ذهنی را به کارگاه‌های عمومی نظیر کارگاه نجاری، کارگاه تدبیر منزل، یا به فعالیت‌های آموزشی دیگری گمارده‌اند که تا حدودی مهارت‌های نظری در آنها دخیل است و آموزش حرفه‌ای خاص در آنها دنبال نمی‌شود.

در پژوهش‌هایی نظیر پژوهش چنینگ که از وضع شغلی کودکان کم توان ذهنی به عمل آمد، معلوم شد

که کودک درباره‌ی مشاغل دیگری که در این زمینه وجود دارد، نیز تا حدودی آگاهی پیدا کند.

۳. جایدهی حرفه‌ای^۴: در جایدهی حرفه‌ای، مهارت-های دستی مربوط به کار، مهارت‌های غیردستی مربوط به کار و نیز عادات کلی، طرز برخورد با دیگران و صفات لازم برای یک کارگر و یک شهروند خوب به کودک آموزش داده می‌شود.

۴. به کار گماری: در این زمینه به کودک یا فرد کمک می‌شود تا کاری پیدا کند.

۵. جایدهی اجتماعی: در این زمینه به سازگاری کودک با شغل خود و سازگاری با جامعه‌اش، زمانی که لازم باشد کمک می‌شود.

طبق نظر هانگرفورد، آموزگاران در سه زمینه‌ی نخست مسئول هستند و دو وظیفه آخر را اداره‌ی کارگرنی، خدمات استخدامی کشور و دیگر مؤسسات اجتماعی می‌توانند انجام دهند (هانگر فوردر ۱۹۴۸).

گروه پژوهش نیویورک برای دستیابی به هدف‌های آموزش حرفه‌ای پیرامون موضوع‌های بنیادی مورد علاقه‌ی کودکان برنامه‌ی آموزشی طرح ریزی کرده است که این موضوع‌ها به شرح زیر است:

۱. خانه‌ی مناسب کودکان برای سنین ۷ تا ۹ ساله
۲. محله‌ی مناسب کودکان برای سطح سنی ۱۰ ساله
۳. دهکده‌ی مناسب کودکان برای سطح سنی ۱۱ ساله
۴. شهر مناسب کودکان برای سطح سنی ۱۲ ساله
۵. مطالعه‌ی زمینه‌های شغل مناسب کودکان برای سطح سنی ۱۳ ساله
۶. راه‌های انتخاب شغل، به دست آوردن و نگهداری آن مناسب نوجوانان برای سطح سنی ۱۴ ساله
۷. راه‌های خرج کردن درآمد مناسب نوجوانان برای سطح سنی ۱۵ ساله

(داگلاس ۱۹۴۴). ریچارد هانگرفورد^۳ دامنه‌ی مفهوم آموزش شغلی را برای کودکان کم‌توان ذهنی وسیع‌تر کرد به طوری که کل فرآیند آموزشی آنها را در بر بگیرد. مفهوم آموزش شغلی هانگرفورد به شرح زیر است:

«برنامه آموزش افراد کم‌توان ذهنی باید پیرامون دستیابی به صلاحیت‌های شغلی و اجتماعی طرح‌ریزی شود. زیرا تنها در این صورت است که امکان رسیدن کودک کم‌توان ذهنی خفیف به حد توانایی افراد عادی وجود دارد و آموزش حرفه‌ای، مهارت‌های شغلی و اجتماعی را برای فرد فراهم می‌آورد که به سازگاری اجتماعی و شغلی در اجتماع منتهی می‌شود». از ضروریات یک برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای مؤثر آن است که به کودک کم‌توان ذهنی فرصت بدهد تا توانایی‌هایش را برای حمایت از خود بروز دهد و در عین حال از یأس و ناامیدی او از این که ممکن است نتواند مانند دیگران در کارش شایستگی پیدا کند، جلوگیری نماید.

آموزش شغلی، مهارت‌های شغلی و اجتماعی برای فرد فراهم می‌کند که این خود به سازگاری اجتماعی و شغلی در اجتماع منتهی می‌شود. این برنامه در پنج زمینه‌ی عمده به شرح زیر تهیه شده است:

۱. اطلاعات شغلی: در اطلاعات شغلی، اطلاعاتی درباره مشاغل مربوط به دانش آموز داده می‌شود و کارهایی که در یک شغل موجود در جامعه باید انجام شود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این اطلاعات به آنها کمک می‌کند تا اهمیت این مشاغل را برای خود مورد بررسی قرار دهند.
۲. راهنمایی حرفه‌ای: در راهنمایی حرفه‌ای به کودک کمک می‌شود تا توانایی‌های خود را نسبت به مشاغلی که به آنها علاقمند است بسنجد و مشاغلی را اختیار کند که برایش از همه مناسبتر است. این راهنمایی باعث می‌شود

۸. کارگر به عنوان یک شهروند و یک فرد اجتماعی برای سطوح سنی ۱۶ تا ۲۰ ساله‌ها.

پژوهش انجام شده درباره‌ی کارگران نیویورک نشان می‌دهد که ۶۰ تا ۸۰ درصد آنها شغل خود را به عللی غیر از ضعف در مهارت‌های شغلی از دست می‌دهند. بنابراین، برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای مشاغل زمینه‌هایی از آموزش را شامل می‌شود که اخراج از کار را در عقب‌مانده‌های ذهنی کاهش دهند. این زمینه‌ها عبارتند از: سلامتی شخصی، وضع ظاهر، رفتار، راه‌های کاریابی، توانایی در نگهداری شغل، توانایی در سازگاری با حوادث و بیکاری، طرز رفتار با کارفرما، طرز رفتار با همکاران، هزینه‌ها و امور بانکی، راه‌های رفت و آمد در شهر، نکاتی درباره‌ی زندگی خانوادگی، زندگی در خارج از خانه، تفریحات سالم، روابط شخصی، روابط گروهی و شهروندی.

کارگروه آموزگاران در شهر نیویورک در تدوین ترتیب و توالی موضوع‌هایی که باید تدریس شوند علاقه‌های عمده‌ی کودکان را با مهارت‌های مربوط به خواندن، نوشتن، حساب، زبان و جنبه‌های دیگر برنامه‌ی درسی ابتدایی در هم آمیخته‌اند و این علائق را در متن درس‌ها گنجانده‌اند. طرح نیویورک کوششی است برای تدوین یک برنامه‌ی ویژه برای کودکان کم‌توان ذهنی. برنامه‌ای که با توانایی‌ها و علائق آنها سازگاری داشته باشد و اهدافی چون شایستگی شغلی و اجتماعی را مورد تأکید قرار دهد.

این برنامه فعالیت‌های کودکان را در سطوح سنی گوناگون با یک موضوع اصلی نظیر موضوع بنیادی مرتبط می‌سازد. در کل این برنامه که به این کودکان ارائه می‌شود از نظر اطلاعات شغلی، راهنمایی شغلی و آموزش شغلی واقعی‌تر است (هالاها و کافمن، ترجمه جوادیان ۱۳۷۶). تحقق یکی دیگر از اهداف افراد عقب‌مانده‌ی ذهنی آموزش‌پذیر، کفایت و مهارت

اقتصادی است که بیشتر بستگی به سازگاری شخصی، اجتماعی و شغلی آنان دارد. در این زمینه پژوهش‌ها و مطالعاتی که به عمل آمده بیانگر این است که در غالب موارد بیکاری افراد عقب‌مانده‌ی ذهنی آموزش‌پذیر، بیشتر به دلیل عدم سازگاری شخصی و اجتماعی است تا کمی رشد ذهنی، آنان نیاز به تشویق و راهنمایی بیشتری دارند، فراگیری تجارب و مهارت‌های شغلی - حرفه‌ای جهت خودکفایی اقتصادی پیش از سازگاری اجتماعی و برخورداری از سلامت عاطفی و روابط مفید و مؤثر در محیط کار بسیار دشوار خواهد بود.

البته آموزش تجارب و مهارت‌های شغلی می‌بایست با تنظیم برنامه‌های معین و متناسب با رشد جسمی و ذهنی فرد آموزش‌پذیر باشد (افروز ۱۳۷۰).

اغلب مطالعاتی که زندگی شهروندان عقب‌مانده‌ی ذهنی آموزش‌پذیر را تا دوران بزرگسالی مورد توجه قرار داده‌اند بر موفقیت شغلی آنها به عنوان یکی از ملاک‌های مهم سازگاری توجه داشته‌اند. با وجود این، باید به جنبه‌های عملی آموزش و پرورش توجه ویژه نمود و زمینه‌ی محتوای برنامه‌های آموزشی به گونه‌ای باشند که منجر به آموزش شغلی و حرفه‌ای شوند. هر قدر عقب‌ماندگی بیشتر باشد می‌بایست آموزش حرفه‌ای و شغلی در سطوح ساده‌تر و یکنواخت‌تر انجام گیرد (رابینسون، ترجمه ماهر ۱۳۷۲).

هنگامی که بزرگسالان عقب‌مانده‌ی ذهنی خفیف تا معتدل ناتوان در انجام کار می‌شوند شواهد نشانگر آن است که علت این ماجرا به عوامل سازگاری اجتماعی و شخصیتی آنها باز می‌گردد، بیش از مقوله‌ی شایستگی، این عادات کاری و الگوهای تعامل بین شخصی با دیگر کارکنان است که ریشه‌های شکست و ناکامی را تشکیل می‌دهند (دومینو و گلد ۱۹۷۴).

با وجود این، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش

مهارت‌های زندگی و اجتماعی که به کار مربوط نمی‌شوند کافی نیست و امید می‌رود که این مهارت‌ها به طور خودکار به فرد کمک کند تا در کارش موفق باشد (ریتر ولوی ۱۹۸۰).

۲. آنهایی که از نظر زمانی خدماتشان محدود است،
 ۳. آنهایی که از نظر خدماتی فعالند. انتخاب هر یک از این خدمات به شدت و نوع عقب ماندگی بستگی دارد، هر چه میزان عقب ماندگی بیشتر باشد، خدمات بیشتری ارائه می‌شود. در تدوین برنامه‌های گذار برای افراد کم‌توان ذهنی، متخصصان این افراد را برای ورود به بازار کار آماده می‌سازند و معمولاً دو نوع ارائه‌ی کاملاً متفاوت اشتغال در دسترس است:

۱. کارگاه‌های نظارت شده (حمایتی)^۶ ۲. کارگاه‌های

بدون نظارت یا اشتغال رقابتی^۷

۱. کارگاه‌های نظارتی: آموزش شغلی برای بزرگسالان

کم‌توان ذهنی به ویژه کم‌توانی ذهنی متوسط کارگاه‌های نظارتی است. این کارگاه‌ها محیطی سازمان یافته هستند که در آنجا افراد کم‌توان ذهنی را طوری تربیت می‌کنند که عادات لازم را برای کار یاد بگیرند مهارت‌های خاصی را که در برخی مشاغل لازم است، بیاموزند و سرانجام کاری را که به دریافت مزدی منجر شود در کارگاه یا در جامعه به دست آورند (مرسر، پین ۱۹۷۵).

۲. محیط‌های کاری غیر نظارتی: در اوائل دهه‌ی ۱۹۸۰ م. برخی از متخصصان به جای کارگاه‌های نظارتی، استفاده از محیط‌های کاری غیر نظارتی یا اشتغال رقابتی را توصیه کردند (براون و دیگران ۱۹۸۶).

محیط‌های شغلی غیر نظارتی محل‌هایی هستند که تقریباً تمام کارگران آن را افراد عادی تشکیل می‌دهند. در کل، بزرگسالان کم‌توان ذهنی که در محیط‌های غیر نظارتی کار می‌کنند نسبت به کسانی که در محیط‌های نظارتی کار می‌کنند، تجاربی را به دست می‌آورند که در محیط‌های غیر نظارتی به دست نمی‌آورند و شانس بیشتری برای یک زندگی خوب کیفی پیدا می‌کنند. این موارد عبارتند از:

- تعامل با اشخاص غیر معلول

عکس از مصطفی پور رشیدی

در برنامه‌ی میشیگان، جان پانز فقر توان بخشی حرفه‌ای میشیگان را در خدمت به افراد کم‌توان ذهنی به دست آورد و اعلام کرد بهترین روش آموزش جوانان کم‌توان ذهنی آموزش، ضمن کار است و بهترین نوع کار برای این اشخاص، مشاغل تکراری و غیر تخصصی و مربوط به خدمات شخصی است. البته موفقیت این برنامه بستگی به کل اجتماع و مؤسسات علاقمند دارد که این مسئولیت را بپذیرند و تقسیم کنند.

برنامه‌ی گذار:

در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰ م. اداره‌ی آموزش و پرورش آمریکا به تدوین یک برنامه‌ی گذار^۵ (انتقال) همت گماشت (راش و فلیز ۱۹۸۷).

برنامه‌ی گذار یک فرآیند آموزشی برای آماده سازی دانش آموز جهت انتقال از دبیرستان به بازار کار است. برنامه‌های گذار اساساً بر سه نوعند:

۱. آنهایی که هیچ گونه خدمات ویژه‌ای نمی‌گیرند،

برخوردار است برای کمک به دانش آموزان و والدین آنها به منظور شناخت ترجیح‌های شغلی و توانایی‌های حرفه‌آموز بسیار مهم است، در این ارزیابی اطلاعاتی در زمینه‌ی پیشینه، علاقه‌مندی استعدادها، نیازهای ویژه، سبک‌های یادگیری، عادت‌ها، رفتارهای شغلی، مهارت‌های شخصی و اجتماعی، ارزش‌ها، نگرش به کار، خود پنداره، تحمل شغلی دانش آموزان به دست می‌آید. حتی در دانش آموزان نیز با دیدن این اطلاعات تغییرات جالب توجهی روی می‌دهد. به عنوان نمونه تمایل پیدا می‌کنند در مورد آینده شغلی یا حرفه‌ای خود بحث کنند و ممکن است به فعالیت‌های شغلی اشتیاق بیشتری نشان دهند (براون و دیگران ۱۹۸۶).

ضرورت تغییر در برنامه حرفه‌ای دانش آموزان کم توان ذهنی در کشور ما

از ویژگی‌های اساسی یک برنامه‌ی مناسب متوسطه‌ی حرفه‌ای، می‌توان طراحی برنامه به صورت طولی، برنامه‌ی آموزش عملی، محیط یادگیری تلفیقی و ارائه‌ی خدمات مبتنی بر جامعه را نام برد.

منظور از برنامه به صورت طولی این است که دانش‌آموز تحول مهارت‌های حرفه‌ای را از نخستین سال‌های زندگی آغاز می‌کند و با افزایش سن به تدریج میزان شرکتش بیشتر می‌شود. برنامه‌ی دوره‌ی متوسطه حرفه‌ای باید مبتنی بر مهارت‌های خاصی باشد که در موقعیت‌های واقعی محل اشتغال مورد نیاز باشد و دانش‌آموزان باید در چند زمینه‌ی شغلی که توانایی انجام آن را دارند، آموزش ببینند.

نکته‌ی مهم در برنامه‌ی حرفه‌ای تهیه طرحی مکتوب و رسمی برای هر دانش‌آموز است که در آن طرح از نقطه‌ی شروع تا اتمام مهارت اهداف، محتوا و روش و... در نظر گرفته شده است. در واقع چنین طرحی پیش از شروع

- برخورد با صداها و مناظر زیادی که معمولاً در دنیای واقعی وجود دارند.

- دوستی با افراد غیر معلول که ممکن است به دنیای خارج از محیط کار نیز گسترش یابد.

- احساس خود ارزشمندی، به هنگامی که شخص شدیداً ناتوان درمی‌یابد که کارش ارزشمند است و در صورتی که او این کار را انجام ندهد، شخص سالمی آن را انجام می‌دهد.

- احترامی که از سوی والدین، کارفرما و همکاران غیر معلول به خاطر مشارکت وی در یک محیط غیرنظارتی به او می‌شود.

- حس موفقیت در کار و امکان خطر کردن در کارها برای غلبه بر موانع و شکست‌ها

- حس غرور ناشی از کمک او به افراد غیر معلول برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های گذار، اشخاص فراوانی با هم همکاری می‌کند که از آن میان می‌توان به متخصصان آموزش استثنائی، متخصصان حرفه‌آموزی، والدین، دانش‌آموزان و ارائه‌دهندگان سامانه‌های خدماتی بزرگسالان و احتمالاً کارفرمایان اشاره کرد.

همه کسانی که در این زمینه فعالیت دارند، باید اهمیت اشتغال را به عنوان هدفی برای جوانان معلول ذهنی بشناسند و بر آن تأکید ورزند.

والدین هم باید نقش حامی و همکار را در این برنامه داشته باشند و بدانند که برنامه‌ی گذار بخش مستمری از برنامه‌ی ایجاد اشتغال برای فرزندان‌شان است.

از این مهمتر آنکه خود دانش‌آموز باید به صورت فعالی در برنامه‌ریزی گذار مشارکت نماید و به این وسیله دانش‌آموز در مدرسه انگیزه پیدا کرده و مهارت‌های خودحمایتی^۱ و خود اتکایی را به دست آورد.

در مرحله‌ی اجرایی برنامه گذار، ارزیابی شغلی که فرآیندی نظاممند و مداوم است و از اهمیت زیادی

✓ مهارت‌های اجتماعی (هنگام روبرو شدن با مسائل و موقعیت‌های اجتماعی، رفتار و واکنش‌های مناسب را بیاموزند تا قادر شوند نیازهای اجتماعی خود را برآورده سازند).

✓ آشنایی با مشاغل و حرفه‌های موجود

اهداف برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای در متوسطه حرفه‌ای

✓ مهارت‌های شغلی (بهبود کیفیت عملکرد شغلی مانند دقیق بودن، ظرافت کار و کاستن از میزان خطاها)

✓ مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی (برخورد مناسب و شایسته با همکاران، ارائه‌ی پاسخ مناسب به انتقاد کارفرما، همکاران و...)

✓ مهارت‌های مکانیکی (کاربرد به موقع تجهیزات در محل کار)

از ویژگی‌های اساسی یک برنامه‌ی

مناسب متوسطه‌ی حرفه‌ای، می‌توان طراحی

برنامه به صورت طولی، برنامه‌ی آموزش عملی،

محیط یادگیری تلفیقی و ارائه‌ی خدمات

مبتنی بر جامعه را نام برد

✓ مهارت‌های اقتصادی (منظور از مهارت‌های اقتصادی این است که افراد کم توان ذهنی آموزش‌پذیر بتوانند برای هزینه‌های زندگی خود مثل تخصیص پول بر اساس اولویت‌ها، پس اندازه کردن و .. برنامه‌ریزی کنند و محاسبات ساده‌ی ریاضی را در زندگی روزمره بکار برند (شناخت پول و از روی حساب و کتاب خرج کردن و آشنایی با مفهوم مزد، وام، بازپرداخت و ...)

✓ مهارت‌های بهداشتی و ایمنی (لباس کار، نظافت محیط کارگاه، رعایت موارد ایمنی در کار، و ...)

آموزش دوره، تهیه و تا پایان تحصیل و اشتغال موفقیت‌آمیز قابل پیگیری است (ومان، کرگل و بارکس، ۱۹۸۵).

در گذشته در کشور ما برنامه‌های آموزش حرفه‌ای مبتنی بر مدرسه بر استخدام یا جایگزینی شغلی به عنوان هدف نهایی تأکید نمی‌کردند. بنابراین، در اغلب مواقع دانش‌آموزان پس از چند سال استفاده‌ی ناقص از آموزش حرفه‌ای و بدون دریافت هرگونه حمایت در جایگزینی شغلی از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شدند (احمدی، ۱۳۷۹). بدین منظور برنامه‌ی دوره‌ی پیش حرفه‌ای و متوسطه حرفه‌ای طراحی گردید که اهداف آنها عبارتند از:

۱. اهداف برنامه‌ی آموزش پیش حرفه‌ای

✓ پرورش زمینه‌های اخلاقی، دینی و پرورشی دانش‌آموزان

✓ افزایش تجارب معلومات و مهارت‌های عمومی، جهت بهبود زندگی فردی و اجتماعی

✓ شناسایی استعدادها، علائق و رغبت‌های دانش‌آموزان و ایجاد زمینه‌های مساعد جهت هدایت حرفه‌ای و بررسی نقاط قوت و ضعف خود تا بتواند با راهنمایی تیم حرفه‌آموزی از بین حرفه‌های موجود در ناحیه یک حرفه متناسب با علائق و استعداد خود انتخاب نماید

✓ ایجاد عادات در جهت استقلال فردی و اعتماد به نفس

✓ رشد توانایی‌ها و مهارت‌ها از راه کار دستی در کلاس درس

✓ مهارت‌های آموزشی (توانایی استفاده کاربردی و عملی از آموخته‌ها [خواندن، نوشتن، ریاضی] را می‌گویند. اهداف جزئی این مهارت عبارتند از: درک مطلب، نگارش و دستور زبان، بیان خود، به کارگیری مفاهیم و مهارت‌های ریاضی در شرایط مختلف، شناخت پول، اندازه‌گیری و ...)

حرفه آموزی نیست بلکه والدین هم باید دخیل باشند .
۵. مشاغل موجود : با توجه به بازار کار و موقعیت شغلی از بین مشاغل موجود در جامعه در جستجوی مشاغلی باشیم که هم در خور توانایی این افراد باشد و هم امکان اشتغال زایی برای آنان داشته باشند .

۶. ارزیابی: که از مهمترین عوامل برنامه می باشد چون نتایج و عملکرد هر برنامه به ارزیابی بستگی دارد. برنامه‌ی آموزشی (خواندن، نوشتن و ریاضی)، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های مربوط به زندگی آتی، آموزش محیط‌های حرفه‌ای، توانمندی‌های شغلی و حرفه‌ای، مهارت‌هایی که عملکرد مستقل دارند و توانایی تسلط بر مهارت‌های مرتبط با موقعیت‌های واقعی کار و ... همگی نیاز به ارزیابی دارند. ارزیابی حرفه‌ای در جهت تعیین نیازهای دانش آموزان کم توان ذهنی در زمینه‌های شغلی و انطباق محیط کار به عمل می‌آید و در صورت نیاز آموزش‌های لازم در نظر گرفته می‌شود (شریفیان و احمدی، ۱۳۷۹).

نتیجه گیری

در برنامه‌ریزی حرفه‌ای باید نیازهای حرفه‌ای هر دانش‌آموز توسط مربی، مشاور، خود دانش‌آموز و والدین او با توجه به علائق و استعداد وی مشخص شود سپس با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و منطقه‌ای و توان ذهنی و جسمی او به تحلیل مشاغل موجود پرداخت. در این برنامه معلولیت نخست دانش‌آموزان آسیب ذهنی است، بنابراین باید به مشاغلی در خور توانایی ذهنی این کودکان پرداخت و از طرفی مراقبت از خود، زندگی مستقل، مهارت‌های ارتباط و تقویت توانایی‌های شناختی از قبیل سطوح خواندن، مهارت‌های ریاضی، توانایی‌های ادراکی و ... توجه داشت.

همچنین توجه به همکاری والدین در برنامه‌ی حرفه‌ای

✓ افزایش تحمل و بردباری دانش آموزان و صبر و حوصله در کار
✓ فراهم کردن تجربه‌های حرفه‌ای در محیط‌های زندگی واقعی و طبیعی
✓ ایجاد عادت‌های عمومی کار: ظاهر آراسته، حضور به موقع، رفت و آمد و ...
✓ کسب مهارت‌های حرفه‌ای (هدف از مهارت‌های حرفه‌ای آماده کردن دانش آموز کم توان ذهنی برای اشتغال در یک حرفه‌ی تخصصی متناسب با توانایی‌های شناختی و جسمی اوست، به گونه‌ای که با اشتغال در آن حرفه علاوه بر تأمین سلامت روانی بتواند از نظر مالی نیز به خود کفایی دست یابد).

عوامل برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای

برنامه ریزی آموزش حرفه‌ای برای دانش آموزان کم توان ذهنی به عوامل مهم بستگی دارد که عبارتند از :

۱. دانش آموزان: مهمترین و اساسی ترین عامل در برنامه آموزش حرفه‌ای دانش آموزان است، که با توجه به توان ذهنی و جسمی و همچنین با در نظر گرفتن شایستگی و صلاحیت حرفه‌ای در طراحی برنامه‌ی حرفه‌ای باید با همتا نمودن دقیق توانایی‌ها افراد کم توان با نیازهای شغلی همراه باشد. افراد کم توان ذهنی در خصوص مشاغل و حرفه‌هایی که مبتنی بر علائق شان باشد به واسطه توان ذهنی و جسمی دچار محدودیت هستند. ولی از راه تجربه-های آزمایشی کوتاه مدت شغلی و تجارب شغلی پنهان مبتنی بر ترجیحات و عملکرد می‌توان علائق شغلی را در دوره‌ی پیش حرفه‌ای برانگیخت .

۲. منابع (اعتبارات و تجهیزات)

۳. کارکنان : شامل عوامل صف (گروه آموزش

حرفه‌ای و توانبخشی) و ستاد

۴. والدین : مسئولیت حرفه آموزی صرفاً با مدارس

مهم است. از آنجا که والدین چشم انداز محدود شغلی کودکان کم توان ذهنی خود را درک کرده‌اند دستیابی به اطلاعات مهمی راجع به روند بازار کار آینده و تعیین یک مسیر شغلی معین از میان شغل‌های گوناگون مستلزم تمرکز بر فواید همکاری والدین دانش آموزان با تیم حرفه‌ای مدارس می‌باشد.

همچنین بزرگترین مشکل دانش آموزان کم توان ذهنی شغل آنها می‌باشد که این مسئله هنوز حل نشده است چون پس از فارغ التحصیلی باز هم بیکار هستند. در حالی که برنامه‌ی آموزش حرفه‌ای کشورهای توسعه یافته پس از حرفه آموزی به دنبال به کارگماری و حتی جایدهی اجتماعی (سازگاری فرد با خود، محیط کار و جامعه) افراد کم توان ذهنی می‌باشد. همچنین همکاری دولت و مؤسسات وابسته از قبیل وزارت کار و امور اجتماعی، اقتصاد و دارایی، که با ارائه‌ی خدماتی از قبیل معافیت‌های خاص مالیاتی، اعطای کمک‌های مالی و فنی، دادن وام به کارفرما به ازای هر فرد کم توان ذهنی که استخدام می‌نماید در به کارگیری این دانش آموزان اهمیت دارد. بنابراین، برنامه‌ی حرفه آموزی به جهت استمرار و تداوم آن باتوجه به شرایط فعلی باید به فکر برنامه ریزی در

خصوص موارد زیر هم باشد:
 - تشکیل و راه اندازی و تقویت تعاونی‌های (فروشگاه، کارگاه‌های تولیدی)
 - استفاده از زمین‌های کشاورزی جهت کار باغبانی و کشاورزی در شهرهایی که امکان آن وجود دارد.
 - ایجاد سوله‌های گل و گیاه
 در کنار جذب اعتبار برای نوسازی مدارس استثنایی و خرید تجهیزات، سازمان آموزش و پرورش استثنایی می‌تواند در جهت موارد یاد شده نیز اقداماتی انجام دهد تا موجب:

- ✓ ایجاد اشتغال برای فارغ التحصیلان استثنایی،
- ✓ ترویج و تحکیم مشارکت دانش آموزان، فارغ التحصیلان کم توان ذهنی، اولیاء و مربیان و افراد خیر و علاقه مند به امور معلولان،
- ✓ جذب سرمایه‌های پراکنده و اندک به منظور سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی کاریابی،
- ✓ تأمین نیاز مشترک شغلی و روانی فارغ التحصیلان کم توان ذهنی و خانواده آنها و
- ✓ تغییر نگرش سایر آحاد جامعه نسبت به توانمندی‌های دانش آموزان کم توان ذهنی شود.

زیر نویس‌ها:

1. Occupational Education
2. Vocational School
3. Hungerford, Richard
4. Vocational Placement
5. Transition Program
6. Sheltered Workshop.
7. Competative Eemployment
8. Self- Advaocacy Skills

منابع :

احمدی، علی‌رضا (۱۳۷۹). بررسی وضعیت شغلی، اجتماعی، اقتصادی بزرگسالان عقب مانده‌ی ذهنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

- افروز، غلامعلی (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان عقب مانده‌ی ذهنی، دانشگاه تهران.
- احمدی، علی‌رضا (۱۳۸۳). بررسی وضعیت شغلی فارغ التحصیلان کم توان ذهنی بعد از فراغت از تحصیل، واحد تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی .
- ترابی میلانی و با عزت (۱۳۸۴). آموزش حرفه ای برای جوانان مبتلا به فلج مغزی و چند معلولیتی، انتشارات سمت .
- حسینی توابع، محمود. (۱۳۷۸). برنامه آموزشی دوره آموزش مهارت‌های عمومی.
- بهراد، بهنام (۱۳۸۲). حرفه آموزی به دانش آموزان کم توان ذهنی، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور .
- دانیل پی و همکاران (بی‌تا)، کودکان استثنایی (ترجمه‌ی فرهاد ماهر، ۱۳۷۸)، تهران، رشد.
- جعفر آبادی، محمد، (۱۳۸۲). تعاونی‌ها، تعلیم و تربیت استثنایی، ۲۴ و ۲۵.
- سازمان بین‌المللی کار، (بی‌تا)، توان بخشی حرفه‌ای معلولین، (ترجمه‌ی محمد جواد توفیق، ۱۳۶۱)، دانشگاه اصفهان.
- ساموئل کرک و ارویل جانسون (۱۳۶۵). آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی، (ترجمه‌ی عباس مهدیزاده، ۱۳۶۵)، مشهد، آستان قدس رضوی .
- شهرامی، علی و بهراد، بهنام (۱۳۷۸)، ارزیابی مقدماتی از دوره مهارت‌های عمومی، پژوهشکده‌ی کودکان استثنایی.
- شریفی و حسین زاده (۱۳۸۶)، توسعه‌ی حرفه‌ای، نشریه‌ی تعلیم و تربیت استثنایی، ۶۷ .
- مجموعه بخشنامه‌های صادره از سازمان آموزش و پرورش استثنایی در خصوص دوره‌ی مهارت‌های حرفه‌ای (۱۳۷۶)، سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
- شهرامی، علی و بهراد، رضا (۱۳۷۸)، سنجش حرفه‌ای، پژوهشکده‌ی کودکان استثنایی .
- هالاها و کافمن، (بی‌تا) کودکان استثنایی، (ترجمه‌ی جوادیان، ۱۳۷۶)، آستان قدس

Dorothy m. Jeffree . (1989). *The Education of children and youth who are mentally Honicaped*. Guides for special education. No. 2. Unesco .

Availiable at: <http://www.Riec. ac. ir /o>